

نوشته‌ی: پروفیسور کو بیچکوا

(ایرانشناس چک) V. Kubicková

ترجمه‌ی: جهانگیر فکری ارشاد

(آسیستان دانشکاه اصفهان)

تحوالات سیاسی ایران در ابتدای قرن بیستم^(۱)

« . . . اینک مشرق زمین نیز دستخوش تجدید حیات
می‌شود و رژیم‌های استبدادی در آستانه‌ی سقوط قرار
می‌گیرند. با تمام قوا بکوشید تاریخ‌های این استبداد
را ازین برافکنیم . . . »

سخنان آتشینی که سید جمال‌الدین اسدآبادی افغانی (۲) ، انقلابی
خطرناک و مبلغ مشهور « وحدت مسلمین » ، خطاب به پهلوان خود ایراد

۱- ترجمه حاضر قسمتی است از ابتدای « تاریخ ادبی ایران در قرن
بیستم » به قلم همین ایرانشناس. در این مقاله اغلب تاریخ‌ها به سال هجری
قمری نوشته شده و معادل مسیحی آن نیز ذکر گردیده است (مترجم).

۲- برای اطلاع از احوال زندگانی او رجوع کنید به « فلسفه‌ی اجتماعی
سید جمال‌الدین افغانی » ، م . مددسی چهاردهی تهران ۱۹۵۵ - « ابطال
نظریه ماتریالیست‌ها Réfutation des matérialistes » ، شامل
مهمترین افکار و عقاید جمال‌الدین افغانی ، ترجمه از متن عربی توسط
« گواشن » A. M. Goichon ، پاریس ۱۹۴۲ « مقالات جمالیه » ،
شامل پاره‌ای از عقاید وی که معروفیت کمتری دارد و به زبان فارسی نوشته
شده است ، تهران بدون تاریخ انتشار .

می کرد ، با توجه به روحیه‌ی آن زمان به هیچ وجه اغراق آمیز نبود . جنبش اصلاح طلبانه ترکها به نام « ترکهای جوان » در سال ۱۸۷۶ میلادی باتدوین قانون اساسی به پیروزی نایل آمده بود و در مصر نیز کمی پیش از آن تاریخ موج پر قدرتی از ناسیونالیسم برخاسته ، سرانجام در انقلاب اعرابی پاشا به اوج خود رسیده بود (۲- ۱۸۸۱ میلادی) . ایران نیز بالاخره در پایان قرن گذشته سر از خواب فراموشی برداشت .

هنگامی که در ماه مه ۱۸۹۶ میلادی مقدمات جشنهای بزرگی جهت بزرگداشت پنجاهمین سالگرد سلطنت ناصرالدین شاه فراهم می شد ، مرد ناشناسی که بعدها در بازجویی خود را یکی از پیروان جمال‌الدین افغانی معرفی کرد ، پادشاه قاجار را به قتل رساند . این واقعه درطول تاریخ ایران استثنایی و بی سابقه بود . پادشاهان ایران همواره به توسط یکی از مدعیان سلطنت یا اطرافیان خود قربانی شده بودند و هیچگاه چنین اتفاقی نیفتاده بود که يك انقلابی که از میان مردم عادی برخاسته باشد به چنین کاری اقدام نماید (۱) . این حادثه خود اولین نشانه بارز يك سلسله تغییراتی بود که در ابتدای قرن ما به زندگی مدرن ایران شکل بخشید .

بهر تقدیر با روی کار آمدن مظفرالدین شاه که بعد از پدر به تخت نشست ، سلطنت همچنان در اختیار سلسله قاجار ماند ، ولی دیگر تسلط پادشاه بر مهار کردن پیش آمدهای بعدی به کل از دست رفت . پادشاه جدید روش سیاسی پیشین را که متکی به کمکهای اقتصادی کشورهای مقتدر اروپا نظیر انگلیس و روس بود ، ادامه داد . تنها اختلاف ناچیزی که سیاست جدید را مشخص می ساخت ، موقعیت دولت روس بود که چند گاهی در مسایل اقتصادی نقش عمده تری را به عهده گرفت و نفوذ بیشتری پیدا کرد . به فاصله اندک زمانی ، در سالهای (۱۹۰۰) ۱۳۱۸ و (۱۹۰۲) ۱۳۲۰ ، قرضهای طویل المدتی از طرف دولت روس در اختیار پادشاه گذاشته شد . بلافاصله

۱- نویسنده ظاهراً قتل یزدگرد سوم پادشاه ساسانی را به دست یکی از پیروان نهضت سوسیالیستی مزدک فراموش کرده است (مترجم) .

پس از این امر ، انگلیس نیز که حیثیت خود را در خطر می‌دید ، پیشنهاد عقد قرارداد بازرگانی کردو به سال (۱۹۰۳) ۱۳۲۱ قراردادی در این زمینه منعقد گردید . ولی پادشاه که تمام توجه‌اش به فراغ خاطر شخصی و فراهم آوردن زندگی مجلل خود بود ؛ به تقلید از پدرش ، ناصرالدین شاه ؛ راه مسافرت به اروپا را در پیش گرفت .

رقابت کشورهای سلطنتی انگلیس و روس پادشاه را بر آن داشت که حتی در موارد مشکوک نیز بسود شخصی خود اقدام نماید و احتیاجات پیش از حد مالی خود را از آن راه برطرف سازد (اما بعدها که دو قدرت خارجی بایکدیگر کنار آمده ، ایران را با توجه به تمایلات خویشتن در بین خود تقسیم کردند ، موقعیت شخصی وی نیز به خطر افتاد). ولی با وجود استفاده های که به شخص پادشاه می‌رسید ، دولت با عقد قراردادهای پیاپی مرتباً بر تعهدات خود می‌افزود و روز به روز به وضع فلاکت‌بارتری کشیده می‌شد ، تا آنجا که مردم به معنای واقعی کلمه با فقر همدم و با گرسنگی دست به گریبان شدند . اما برای ایران هنوز جای این خوشوقتی باقی بود که روشنفکران میهن‌پرست با توجه به افکار سیاسی جدیدی که ایشان را به تحرك واداشته بود و نیز بواسطه تجاربی که از موقعیت ناپسامان مملکت خود داشتند ، همه بخوبی آگاه بودند که این سیاست به کجا خواهد انجامید . این طبقه روشنفکر ، همواره در راه تنویر افکار توده مردم کمال سعی را ورزیده ، رفتار پادشاه را به انتقادی گرفت و اذهان عمومی را نسبت به اعمال نابخردانه‌ی وی که منجر بفروش مملکت به خارجیان می‌شد ، روشن می‌ساخت . در این دوران اعمال میهن‌پرستانه سخت‌مورد توجهی عموم قرار می‌گرفت . درگیریها و شورشهایی که گهگاه در گوشه و کنار کشور رخ می‌داد ، در واقع عکس‌العمل مستقیمی از نفوذ خارجیان در مملکت و دستگاه رهبری بود - از قبیل انتصاب مسیو « نوز » Nause بلژیکی بسمت وزارت پست و پامذاکراتی در خصوص قراردادهای نفت و غیره (۴) .

۴- در همین خصوص رجوع کنید به «انقلاب مشروطیت» احمد کسروی،

تهران ۱۹۵۱- «انقلاب ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۵»، ایوانووف M.S.Ivanov

مسکو ۱۹۵۷ .

در پنج سال اولیه قرن بیستم ، میهن پرستان انقلابی که در آن زمان روحانیون طراز اول نیز در شمار آنها بودند ، خواسته های خود را که عبارت از ایجاد مجلس و تضمین قانون اساسی بود ، بی پرده بیان می کردند و دیگر تنها به صدور اعلامیه برضد خلفکاریه های جزء به جزء حکومت و شخص پادشاه اکتفا نمی نمودند .

آخرین محرکی که موجبات پیشبرد قطعی قوای این دسته را فراهم آورد ، انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵ میلادی بود . شمال و شمال شرقی کشور که بواسطه تماس مستقیم با انقلابیون روسیه تحریک شده بود ، در این کشمکش ها و نیز در گیزی های بعدی که به خاطر حفظ حقوق باز یافته صورت گرفت ، نقش بسیار مؤثر و فعالی را بعهده داشت (۱) ، نقش روحانیون نیز در دقایق حساس این درگیری ها قابل توجه بود . علمای اعلام با خروج چشم گیر خود از پایتخت و همچنین با مقاومت منفی خود در برابر کلیه دستورات پادشاه ، از تمایلات انقلابیون پشتیبانی می کردند . برای مثال در هنگام مذاکرات مربوط به قرارداد توتون و تنباکو ، استعمال دخانیات توسط روحانیون از لحاظ مذهبی تحریم شد و به یک چشم برهم زدن ، این دستور آنچنان بموقع اجراء گذاشته شد که حتی خدمتکاران پادشاه نیز در مقابل چشمان حیرت زده او خودسرانه خاکه های تنباکو را از قصر دور ساختند (۲) . به این ترتیب بود که سرانجام توده مردم پادشاه را ناچار به تسلیم کرد و در نهم اوت ۱۹۰۶ میلادی (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۴ هجری قمری) مجلس افتتاح گردید .

- ۱- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به « انقلاب ایران » ، براون E. G. Browne ، ص ۱۲۱ و بعد از آن ، چاپ جدید این کتاب بر اساس مدارک متعددی که در « انقلاب مشروطیت ایران » اثر کریم طاهرزاده بهزاد (تهران ۱۹۵۵) آمده ، تجدید نظر شده است .
- ۲- کتاب اخیر الذکر از « براون » ، ص ۵۵ و بعد از آن .

پس از مرگ مظفرالدین شاه ، محمد علی میرزا که دشمن آشکارای مشروطیت بود ، به تخت جلوس کرد و فصل جدیدی در این کشمکش‌ها آغاز گشت . وی از همان لحظه اول تمام سعی خود را مصروف پایمال کردن حقوق مجلس نمود ، ولی مجلس با وجود مخالفت‌های دربار توفیق یافت ، بارفتاری آگاهانه و بدون تزلزل و تشمت عمده‌ترین مقاصد خود را جامه عمل ببوشاند یکی از این مقاصد تأسیس بانک ملی (ایران) بود (تصویب سرمایه اصلی رامی- توان در واقع يك اعلامیه کاملاً ملی تلقی کرد) که ضربه مهلکی بر حیثیت بارزگانی انگلیس و روس وارد آورد (۱) . درخواست دیگر مجلس ، کوتاه شدن دست خارجیان از اداره امور مملکت و سرانجام تحدید حقوق دستگاه سلطنت بود . ولی باوصف آنچه گذشت ، محمد علی‌شاه عقب‌نشینی نکرده ، درحالی‌که از پشتیبانی دولت‌های انگلیس و روس اطمینان کامل داشت ، خود را آماده برگردانیدن اوضاع عمومی به سود خویشتن نمود . به این ترتیب آتش نزاع بین پادشاه و مجلس و یا به عبارت دیگر ، بین دربار ایران و مردم این کشور شعله‌ور شد . باوجود آنکه پادشاه تمام قوای ممکن را در ارباب مردم به کار برد و از افواج توپچی و سواره نظام نیز کمک گرفته ، ولی سرانجام ملیون ایران ، پس از قریب دو سال کشاکش ، درحالی‌که فقر و مسکنت عمومی سراسر مملکت را فرا گرفته بود به پیروزی نایل آمدند . علت این پیروزی را باید در همبستگی میان این گروه سیاسی و تمامی توده‌ی خلق دانست که به پشتیبانی از مجاهدین قد علم کرده بودند . آن عده از مردمی که یارای درگیری‌های مستقیم را نداشتند ، با ابراز تمایل شدید و اشتیاق جوشان خود ، سپاهیان ملیون را یاری می‌بخشیدند . در این سالها در قهوه-

- ۱- موضوع تأسیس يك بانک ملی در پنجم آذر ۱۲۸۵ هجری شمسی در مجلس شورایی ملی مطرح شد . تأسیس بانک ملی ایران در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۶ هجری شمسی به تصویب مجلس شورایی ملی رسید و در هفدهم شهریور ۱۳۰۷ هجری شمسی رسماً افتتاح شد (مترجم) .

خانه‌ها نیز که در گذشته قسمت‌هایی از شاهنامه و آثار هنرمندان کلاسیک نقل می‌شد، آخرین اخبار نشریات انقلابی خواننده می‌شد و اشعاری به‌منظور تجلیل از مشروطیت ترنم می‌کردید! (۱) قدرتهای بزرگ انگلیس و روس در این اثناء در کمال احتیاط بایکدیگر متحد شده، بدون اطلاع ایران و کشورهای مربوط دیگر، قدرت اقتصادی خود را بر ایران، افغانستان و تبت طبق قرارداد بازرگانی (اوت ۱۹۰۷) ۱۳۲۵ در بین خود تقسیم کرده بودند (۲).

در (ژوئیه ۱۹۰۹) ۱۳۲۷ با ورود پیروزمندان هی‌قوای ملیون به پایتخت این قسمت از کشمکش‌ها نیز خاتمه یافت (۳). پادشاه به سفارت روس پناهنده شده، سرانجام در آن کشور مقیم گردید و احمد میرزا به عنوان جانشین وی به تخت سلطنت ایران جلوس کرد. از آنجا که احمد میرزا هنوز حتی دوازده سالش هم تمام نشده بود، عضداً الملك مسن‌ترین فرد خاندان سلطنتی قاجار، به عنوان نایب‌السلطنه وی انتخاب شد و پادشاه جوان با تشریفات مربوط مجلس را افتتاح نمود. مجمع ملی انقلابیون حکومت جدید را اعلام کرد و رهبران بالیاق قوای ملیون کلیدی پست‌های حساس را در اختیار خود گرفتند (۴).

- ۱- کتاب اخیر الذکر از «براون»، ص ۱۷۳-۱۷۴.
- ۲- کتاب اخیر الذکر از «براون»، ص ۱۲۸-۱۲۷ و نیز در کتاب احمد کسروی که ذکرش گذشت، ص ۴۶۰-۴۶۱.
- ۳- برای اطلاع از نقش عمده بختیاری‌ها در «فتح ملی» رجوع کنید به «تاریخ مشروطه‌ی ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری»، ن. دانشور، تهران ۱۹۵۶.
- ۴- برای اطلاع از این امر که «مشروطه ثانی» نام گرفت، رجوع کنید به قسمت ملحقات کتاب «مطبوعات و شعر» از «براون»، کمبریج ۱۹۱۴.

حکومت جدید باشتاب و انرژی فراوان به وضع نظام جدید پرداخت و بخصوص در مورد اوضاع مالی در همان سال اول نتایج ثمربخش خود را آشکار ساخت. ولی چیزی نگذشت که ناپسامانی‌هایی در اروپا آغاز شد و سرانجام به جنگ جهانی اول منجر گردید. درگیری‌های اروپا به ایران نیز کشیده شد و این منطقه که به واسطه موقعیت نظامی و نیز منابع طبیعی برای متفقین دارای اهمیت فراوانی بود، بلافاصله پس از آغاز جنگ جهانی اول توسط دولت‌های انگلیس و روس اشغال گردید. به این ترتیب بدبختی و مسکنت ایرانیان بیش از پیش شده، کشمکش‌ها و قیام‌هایی بر ضد اشغال نظامی کشور آغاز گردید و ظلم اشغالگران بر نفرت مردم نسبت به ایشان افزود.

آخر الامر جنگ جهانی اول در تحت کشمکش‌های داخلی و در وضع اقتصادی ناخوشایندی با پیروزی متفقین به پایان رسید. دولت انگلیس بلافاصله در صدد آن برآمد تا موقعیت خود را در ایران با انعقاد یک قرارداد اقتصادی مستحکم سازد. ولی این قرارداد خشم عمومی را برانگیخت و ملت نبرد خود را دوباره آغاز کرد. این بار توده مردم به جبهه‌های مختلف سیاسی منشعب شدند و سرانجام در سال ۱۹۲۱ میلادی قوای رضاخان میرپنج پیروزمندانه به پیش تاخت.